

# کودکان سنگ

از نزار قبانی

دنیا را خیره کردند،  
با اینکه در دستشان جز سنگ چیزی نیست.  
چونان شبچراغ افروختند و مژده آوردند  
مقاومت کردند، چون بمب منفجر شدند و شهید گشتند.  
و ما بسان خرس های قطبی  
– که کالبدشان در برابر حرارت مصونیت یافته باشد –  
همچنان یخزده باقی ماندیم.  
آنان به جای ما پیکار کردند تا آنگاه که به خاک افتادند  
و ما در قهوه خانه ها لم دادیم و مزمزه کنان پیف پیف کردیم.  
از ما یکی در پی سوداگری خویش است  
یکی در جست و جوی یک میلیارد دلار دیگر  
و ازدواج چهارم و سینه های مرمین  
یکی در لندن کاخی سر به فلک کشیده را می جوید  
یکی دلال اسلحه است  
یکی در کاباره ها از حریفش انتقام می گیرد  
و دیگری به دنبال تاج و تخت، ارتش و حکومت است.  
آه ... ای نسل خیانت ها  
ای نسل پول پرستی ها  
ای نسل تفاله  
و ای نسل هرجایی  
سرانجام، کودکان سنگ انداز  
– هرچند تاریخ به کندی حرکت کند –  
ترا در زیر پا لگدمال خواهند کرد.